

الگوی حکومت مردم‌سالاری دینی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

سعیده سادات سدیدپور *

محمد ابراهیم سنجقی **

حسین شیرازی ***

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱۴

پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۷

چکیده

امام خامنه‌ای (دامت برکاته) مفهوم مردم‌سالاری دینی را از سال ۱۳۷۷ مطرح کردند. این مقاله قصد دارد تا الگوی مردم‌سالاری دینی را از بیانات ایشان و براساس نظریه داده بنیاد استخراج کند. مقاله، بیانات معظم‌له را از همان سال تا کنون بررسی و ۲۶۷۳ کد را استخراج کرده است؛ سپس با رفت و برگشت بین کدها، مفاهیم و مقوله‌ها، کدها در هفت دسته شامل عوامل، الزامات، محتویات (هست‌ها و نیست‌ها)، مقومات، منهیات و پیامدها دسته‌بندی شده و در نهایت با ۳۵ مقوله پایان یافته‌است.

براساس نتایج پژوهش، برقراری حکومت مردم‌سالاری دینی به اجرایی کردن الزامات بویژه ولایت فقیه و قانون اساسی و محتویاتی همچون اجرای اسلام و چارچوبهای الهی و حکومت بر مبنای ارزشها و از بین رفتن دیکتاتوری نیاز خواهد داشت. تداوم چنین حکومتی نیز به مقومات و منهیاتی استوار است که از جمله آنها می‌توان به بصیرت و امکان نقد و اعتراض به‌عنوان قوام‌دهنده و ثروت‌اندوزی و سوء استفاده از قدرت به‌عنوان از بین‌برنده اشاره کرد.
کلید واژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، بیانات حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته)، بیداری اسلامی، نظریه داده بنیاد.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مهندسی کامپیوتر، دانشگاه صنعتی مالک اشتر

sadidpur@aut.ac.ir

sanjaghi@yahoo.com

hossein_shirazi@yahoo.com

** استاد دانشگاه صنعتی مالک اشتر

*** دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

مقدمه

گفتمان سنتی حاکم بر جامعه ایران شامل دو لایه فرهنگی ایرانی و اسلامی است. در این راستا و در پی تقابلها و رویاروییها با مدرنیته و انواع مردمسالاری، گفتمانهایی شکل گرفته است که علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و متفکران به فراخور شناسایی مشکلات، در پی پاسخگویی و تولید فکر برای دستیابی به مناسبترین الگوی حکومت داری برای آن بوده‌اند (برخورداری و متقی، ۱۳۹۴).

جمهوری و مردمسالاری، دو تعبیری است که از قرن پنجم قبل از میلاد تاکنون به معنای حکومت مردمی به کار رفته، و تأکید ویژه و گسترده‌تری از قرن ۱۶ میلادی در غرب بر آن صورت گرفته است. امام خمینی (ره) نیز برای تبیین نظام حکومتی مورد نظر خود، قبل و بعد از انقلاب، آن دو را به کار برده‌اند (شیرودی و حسینی، ۱۳۹۳). با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار مردمسالاری دینی، پرسش از پیشینه مباحث نظری سازگاری و یا ناسازگاری اسلام و مردمسالاری به مسئله‌ای بنیادین در عرصه مشروعیت بخشی به این نظام جدید تبدیل شد (سرپرست سادات و خرمشاد، ۱۳۹۳).

در پی جدالهای فرهنگی - سیاسی در ارتباط با مفهوم مردمسالاری و نوع حکومت در ایران، سال ۱۳۷۷ برای نخستین بار مقام معظم رهبری برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی از تعبیر مردمسالاری دینی استفاده، و آن را رویکرد مشخص جمهوری اسلامی مطرح کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴). ایشان بصراحت فرمودند: "جمهوری، یعنی مردمسالاری؛ اسلامی، یعنی دینی" (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲۰). در سالهای بعد نیز مسئله مردمسالاری دینی را مورد توجه قرار دادند و بیان کردند که "این اندیشه سیاسی نو، متکی به فلسفه درست، متکی به زمینه‌های فکری و اعتقادی مستحکم و از لحاظ عملی قابل اجرا و پیشرونده است" (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۷) و نیز بر این امر تأکید دارند که: "مردمسالاری ما از دل اسلام جوشید" (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

هدف این مقاله، یافتن خط‌مشی نظام جمهوری اسلامی در حکومتداری است تا بتوان سخنان و تصمیم‌گیریهای درست و اشتباه در هر موقعیتی را مشخص کرد. در این راستا، استخراج خط‌مشی‌ها و ارائه الگوی مردمسالاری دینی براساس بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، که بهترین

مرجع و فصل‌الختم است، صورت گرفته است تا دیدگاه‌های مختلف احزاب سیاسی به ایجاد خطا و انحراف در الگو منجر نشود و در نهایت، الگو امکان تکیه و اطمینان را داشته باشد. در این راستا، نوشتار پیش رو در پی فهم درست از چیستی الگوی حکومت‌داری مردم سالاری دینی است و تلاش می‌کند خط‌مشی‌های مردم‌سالاری دینی را از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کند و افزون بر آن می‌کوشد چگونگی اجرای الگوی مردم‌سالاری دینی را تحلیل نماید.

ادبیات پژوهش

در ارتباط با مردم‌سالاری دینی، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است؛ اما همین تعداد اندک را می‌توان از دو نگاه بررسی کرد: گروه اول، پژوهشهایی است که این مفهوم را با تأکید بر مردم‌سالاری از دیدگاه فقها و بزرگان مسلمانان مورد بررسی قرار داده است و در گروه دوم، پژوهشهایی قرار می‌گیرد که به بررسی ارتباط مفاهیم و نهادهای متفاوت در حکومت مردم‌سالاری دینی می‌پردازد که در ادامه به برخی از این پژوهشها اشاره می‌شود.

در گروه نخست، اردستانی و دشتی (۱۳۹۲)، مردم سالاری دینی را در سیره امام علی(ع) بررسی کرده، و دریافته‌اند که از نظر امام علی(ع)، عرصه سیاسی حکومت حق‌محور، عرصه‌ای شایسته‌سالار است که در آن، همه افراد جامعه باید موقعیت مشارکت در حکومت را داشته باشند و حکومت بر اراده و حضور آنان متکی است. نگاه ایشان به حکومت به مثابه وسیله‌ای برای خدمت به مردم است که در نتیجه، پرهیز از خودکامگی و تأکید بر مشاوره با مردم، وجه بارز حکومت آن امام همام است. در این حکومت از عامه مردم به مثابه ستون دین و سپر محکم در برابر دشمنان یاد شده و ارزش فوق‌العاده‌ای برای ضرورت جلب حسن ظن مردم قائل است. بنابراین از آنجا که منبع قدرت سیاسی رأی و حمایت مردم است، حکومت به دور از هرگونه تبعیض و نابرابری در برابر عامه مردم مسئول، و از شفافیت سیاسی در برابر آنان برخوردار است. شیرودی و حسینی (۱۳۹۳) در بررسی خود اشاره کردند که امام خمینی(ره)، تعبیر جمهوری را، که به مفهوم نقش تعیین‌کننده مردم در حکومت است، بیش از دموکراسی با الگوی حکومتی مورد نظر خود یعنی ولایت فقیه نزدیکتر می‌داند؛ به بیان دیگر، اصل فکر حضرت امام خمینی(ره)، اصل توحید است و همه ابعاد اندیشه ایشان را می‌توان حرکتی در راستای اصل به تعالی رسیدن و به سوی توحید رفتن

دانست. ولی فقیه، سیاست متعالی ایشان را، که حرکت انبیای الهی و امامان معصوم(ع) در قالب آن معنا می‌یابد در دوران غیبت و با همان اختیارات شخص معصوم(ع) در قالب حکومت اسلامی تداوم می‌دهد و این گونه احکام اسلامی را در جامعه به اجرا در می‌آورد.

در این اندیشه، جایگاه مردم به حدی رفیع و بلند است که ولی فقیه، بدون همراهی مردم هرگز موفق به تأسیس حکومت اسلامی نمی‌شود. مجیدی و خزاعی گسک (۱۳۹۲) نیز ضمن بررسی مردم‌سالاری دینی در آرای رهبران جمهوری اسلامی با نظر یوسف القرضاوی در می‌یابند که در سطح اصول تحقق عملی، کمترین میزان اشتراک در اندیشه مردم‌سالاری دینی ایشان وجود دارد.

در رابطه با مردم‌سالاری دینی، دیگر فقیهان نیز نظر داده‌اند که یافته‌های پژوهش خلیلی (۱۳۹۰) بر این موضوع تکیه دارد که از دیدگاه آیت‌الله مصباح، مردم‌سالاری دینی بر رضایت مردم، ارزشمداری، حق‌مداری و قانونگرایی استوار است. مردم‌سالاری دینی در چارچوب اصول و ارزشهای اسلامی، معنا و مفهوم می‌یابد و به دنبال این است که خواست مردم، متوجه تحقق و تحکیم مبانی و اهداف عالی دین باشد و چنان نیست که بر نفی و یا تضعیف آن تعلق گیرد. در این صورت، مردم‌سالاری محتوای ارزشی خود را از دست می‌دهد و اطلاق وصف دینی بر آن صحیح نخواهد بود. میراحمدی (۱۳۹۰) نیز با مطالعه آثار آیت‌الله جوادی آملی در می‌یابد که مردم‌سالاری دینی، الگویی از نظام سیاسی است که بر پایه اصل خضوع مردم در ساحت قدس الهی در چارچوب هدایت دین و نهاد دینی، تدبیر عقلانی مردم و حاکمیت آنها به رسمیت شناخته می‌شود.

در گروه دوم، نوروزی (۱۳۹۳)، ارتباط نظارت مردمی در مردم‌سالاری دینی را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در بعد ماهوی، فکر «مشروعیت ولایت فقیه» در عصر غیبت، مبنای نظری نظارت در حاکمیت دینی است و دیگر نماگرهای نظارت در ساحت ساختار و رفتار مردم با استناد به آموزه «مشروعیت» مدلل می‌شود. در عامل رهبری، ضرورت توجه به مقوله "مقبولیت" در حاکمیت دینی، اساسی است و در ظرف ساختاری، برنامه‌ریزی و مدیریت نظام اسلامی باید تحقق بخش و بستر ساز نظارت عامه باشد. هم‌چنین در حوزه نظارت در ساحت رفتار مردم نیز دو عامل حوزه شناخت (بیش) و عملکرد مطرح می‌شود. میرمحمدی و محمدی لرد (۱۳۹۳) به نقش سازمانهای اطلاعاتی در مردم‌سالاری دینی توجه کرده، و مدعی‌اند که اطلاعات

در نظامهای مردم سالاری دینی، ابزاری در خدمت تشخیص مصلحت و تثبیت روشها، قواعد و ارزشهای نظام مردم سالاری است. از سوی دیگر آنان برآنند که کارکرد و نقش سازمانهای اطلاعاتی در نظامهای مردم سالاری دینی و غیردینی با یکدیگر تفاوتی ندارد و محدودیتها و روشهای نظارت بر اطلاعات در مردم سالاریهای دینی، بیشتر از مردم سالاریهای غیردینی است. قاسمی (۱۳۹۳) نیز اشاره می کند که حکومت مردم سالاری دینی با ابعاد معنوی و تأکیدش بر جماعت، تبدیل تفاوتهای قومی - فرهنگی به مسائل سطح متغیرها (در مقابل سطح ثابتهای دینی)، تأکید بر اخوت و وحدت اسلامی مذاهب اسلامی و تأیید حقوق انسانی و فرهنگی ادیان غیر اسلامی در زمینه حفظ امنیت اجتماعی با مشکلی روبه رو نمی شود. از سوی دیگر به دلیل تأکید حکومت دینی بر ثابتهای دینی و مخاطب تلقی کردن فطرت بشری و تأکید بر نقش زمان و مکان در اجتهاد از معضل و معمای ذوحدین لیبرالیسم و جامعه گرایی فاصله می گیرد.

واکاوی نظری مردم سالاری

حکومتداری به تمام فرایندهای حکومتی اطلاق می شود که می تواند توسط دولت، بازار و یا شبکه بیش از یک خانواده، قبیله، سازمان رسمی یا غیررسمی و از طریق قوانین، هنجارها و یا قدرت انجام گیرد (بویر^۱، ۲۰۱۲). البته عبارت حکومتداری از دولت متمایز است. دولت، هیأتی رسمی با توان تصمیم گیری در مسائل سیاسی است در صورتی که حکومتداری به تمام موارد تأثیرگذار در این تصمیم گیریها اشاره دارد. حکومتداری انواع مختلفی دارد که در جدول ۱ نشان داده شده است.

همان طور که مشاهده می شود، یکی از انواع حکومتداری، مردم سالاری است. مردم سالاری، ترجمه دموکراسی است که حکومت توسط و برای مردم است (لیجفارت^۲، ۲۰۱۲). اصل این تعبیر، که از قرن شانزدهم وارد زبان انگلیسی شده، یونانی است و از ریشه demos به معنای مردم^۳ و kratos به معنای قاعده^۴ نشأت می گیرد (هلد^۵، ۲۰۰۶). دموکراسی، شکلی از حکومتداری مبتنی

1 - Bevir
2 - Lijphart
3 - People
4 - Rule
5 - Held

بر مردم است که در مقابل نظام پادشاهی مطرح می‌شود.

جدول ۱: انواع حکومتداری

حداقل حکومتداری		حداکثر حکومتداری	
مرتب‌به	تمامیت‌خواهی ^۱	حکومت مشروطه ^۲	اقتدار‌گرایی ^۳
اقتصاد	جامعه‌خواهی ^۴	اجتماعی/ سرمایه‌داری ^۵	سرمایه‌داری اقتصاد آزاد ^۶
قاعده	نظام پادشاهی ^۷	اشراف‌سالاری ^۸	تکثرگرایی ^۹ / مردم‌سالاری

در نگاه نخست شاید پرداختن به موضوعاتی همچون مردم‌سالاری و جهانی شدن، تکراری و بیهوده به نظر برسد؛ زیرا تعبیر مردم‌سالاری در دانش مشترک همه ما جایگاه و معنای روشنی دارد. همه می‌دانند که پیدایش اولیه مردم‌سالاری تنها ناشی از مجموعه‌ای از رویدادها نیست، بلکه نشو و نماي آنها در فرایند دگرگونی مستمر و طی نسلهای پی‌درپی صورت گرفته است (هلد، ۱۳۶۹). اگرچه مردم‌سالاری به یونان باستان بر می‌گردد در عصر جدید با سقوط دیوار باستیل و دیوار برلین، رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته است. طی ۵۰۰ سال گذشته، مردم‌سالاری پیوسته مورد بحث قرار گرفته و مجموعه‌ای منظم از انگاره‌ها در این راستا تهیه شده است. در ۲۵ قرن گذشته، بارها مردم‌سالاری مورد بحث و جدل قرار گرفته، حمایت شده، مورد تهاجم قرار گرفته، به فراموشی سپرده شده، مستقر گردیده، عمل شده، ویران گردیده و دوباره پا گرفته است؛ اما به دلیل اینکه در زمانها و مکانهای مختلف، معانی مختلف داشته است بر سردرگمی نظریه‌پردازان مردم‌سالاری افزوده شده است (دال، ۱۳۷۳). مرور کتابها و تعاریف مردم‌سالاری نشان می‌دهد که مردم‌سالاری، مناقشه برانگیز است که به‌رغم نقش تأثیرگذار آن در جامعه و اهتمام تمام گروه‌ها به آن، هنوز درک واحدی از این تعبیر به دست نیامده است که بتوان به‌صورت یکسان، آن را تصور

- 1 - Totalitarianism
- 2 - Constitutionalism
- 3 - Anarchism
- 4 - Socialism
- 5 - Capitalism
- 6 - Laissez Faire Capitalism
- 7 - Monarchy
- 8 - Oligarchy
- 9 - Polyarchy

کرد. صاحب نظران مختلف تعابیر متفاوتی را برای مردم سالاری در نظر گرفته اند که در جدول ۲ به برخی از آنها اشاره شده است.

جدول ۲: تعابیر متفاوت صاحب نظران برای مردم سالاری (حاجی زاده، ۱۳۹۰)

صاحب نظر	تعریف مردم سالاری
افلاطون	مردم سالاری، حکومت تهیدستان است که بر اشراف سالاری پیروز می شود.
مونتسکیو	مردم سالاری، نوعی جمهوری است که همه مردم قدرت را در دست دارند.
میل	نظام مردم سالاری مطلوب است که بر انتخاب متکی است و در آن مردم از طریق انتخاب نمایندگان ادواری، قدرت کنترل نهایی را در دست داشته باشند.
روسو	مردم سالاری، ابزار دستیابی انسانها به آزادی و مردم سالاری است.
ال دیاموند	تعریف مردم سالاری را می توان در قالب سه نوع مردم سالاری حداقلی (انتخاباتی)، میانه (شبه مردم سالاری) و مردم سالاری حداکثری (تکثرگرایی) دسته بندی کرد.
کوهن	مردم سالاری، حکومتی جمعی است که در آن، اعضای اجتماع، مستقیم یا غیرمستقیم، در گرفتن تصمیم هایی شرکت دارند که به همه مربوط می شود.
بیتهام و بویل	مردم سالاری، مستلزم دو اصل کلی نظارت همگانی بر تصمیم گیری جمعی و داشتن حق برابر در اعمال این نظارت است.
کارل مانهایم	بر بعد فرهنگی مردم سالاری تأکید می کند و سه اصل بنیادین "برابری هستی شناختی همه اعضای جامعه، به رسمیت شناختن حیات فردی اجزای جامعه و وجود نخبگان در جامعه مردم سالار" را مطرح می کند.
هانتینگتون	مردم سالاری در معنای شکل حکومت برحسب منابع قدرت برای حکومت، مبتنی بر مقاصدی که حکومت در پیش می گیرد و بر مبنای شیوه و روال کاری که در تشکیل حکومت به کار می رود، تعریف شده است.
لیپست و همکاران	تعریف مردم سالاری مبنایی فرهنگی دارد. در نظام مردم سالار، "رقابت بر سر احراز مناصب"، "نبودن زور و اجبار و حذف نکردن گروهی در جامعه" و "وجود آزادیهای مدنی و سیاسی به منظور تضمین صحت مشارکت و رقابت سیاسی" مطرح است.

البته در ایران، حضرت امام خمینی (ره)، مردم سالاری اسلامی را برگزیدند. افرادی که با مفاهیم سیاسی سکولار غربی آشنا هستند، اعتقاد دارند که کنار هم قرار گرفتن مردم سالاری و دینی همخوانی ندارد و عاقبت خوشی هم به همراه ندارد؛ اما این مسئله با موجودیت انسان، که توان ایجاد تغییر در هر چیزی را دارد، مطابقت ندارد. مردم سالاری غیردینی یا سکولار با مردم سالاری

دینی تفاوت بسیار زیادی دارد و حتی این دو مورد در اصل مردم‌سالاری نیز یکسان نیست. مردم‌سالاری غربی بر تکثرگرایی و مردم‌سالاری دینی بر اصل وحدت‌گرایی تأکید دارد. بنابراین، جنگها در مردم‌سالاری غربی عادی تلقی می‌شود در حالی که در مردم‌سالاری دینی، عاقبت مردم و جامعه در هم گره خورده است. در این راستا است که نظریه "تنازع بقای" داروین معنا پیدا می‌کند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۳). در نتیجه این توضیحات، غریبها بر این باورند که با از بین بردن دیگر ملتها و یا تحت سلطه درآوردن آنها، قدرت بیشتری می‌یابند و در راه این هدف از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند.


انواع الگوهای مردم‌سالاری

مردم‌سالاری، نظام حکومتی است که در آن مردم کشور در تصمیم‌گیری در کار خود دخالت می‌کنند. مردم‌سالاری به سه شیوه اجرا می‌شود (عباسی، ۱۳۸۷):

- از راه نمایندگان مردم (مردم‌سالاری غیرمستقیم یا نمایندگی): در این شیوه، مردم تنها با شرکت در انتخابات و گزینش نمایندگان اعمال قدرت خود را انجام می‌دهند. ویژگی اصلی این شیوه، نبود مجلس قانونگذاری است و در سرزمینهای کوچک اجرا می‌شده است.
- از راه مشارکت مستقیم مردم (مردم‌سالاری مستقیم): در این شیوه، مردم مستقیم در حکومت دخالت می‌کنند. در حکومتهای امروزی، این کار به دلیل نداشتن وقت کافی و یا تخصص مورد نیاز، بسیار مشکل است؛ بنابراین، شیوه سوم پیشنهاد می‌شود.
- از راه نمایندگان و مردم (مردم‌سالاری نیمه مستقیم): در این شیوه، کارهای روزمره به نمایندگان سپرده می‌شود؛ اما در صورت لزوم، مردم می‌توانند نماینده خود را برکنار کنند یا به رد یا تصویب برخی قوانین پردازند. در کشورهایی از جمله ایران این شیوه پذیرفته شده است.

با توجه به این سه شیوه، شش الگوی مردم‌سالاری در دو بعد اهداف و انواع اولیه در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳: شش الگوی مردم سالاری در دو بعد (هکر و دیجک^۱، ۲۰۰۰).

اهداف اولیه		شکل دهی نظریات	تصمیم گیری
انواع اولیه			
مردم سالاری نمایندگی			قانونگرا ^۲ رقابتی ^۳
		تکثرگرا ^۴ مشارکتی ^۵	
		طرفداری از آزادی فردی ^۶	
		مبتنی بر رای گیری ^۷	
مردم سالاری مستقیم			

تعریف مردم سالاری دینی

نظام جمهوری اسلامی، که در نتیجه انقلاب مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ پا به عرصه وجود نهاد، انقلابی عظیم را در دنیا به وجود آورد که یکی از مصداقهای آن، بیداری اسلامی در کشورهایی همچون مصر است. امام بزرگوار، چند ماه پس از انقلاب، "جمهوری اسلامی" را به عنوان نوع نظام سیاسی کشور پیشنهاد، و سپس در سال ۱۳۷۷، رهبر معظم انقلاب، مردم سالاری دینی را مطرح کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

بهترین راهکارهای هر موجود و مخلوقی، توسط خالق و به وجود آورنده آن ارائه می شود. در نتیجه، ارائه الگوی مردم سالاری دینی به دنیا توسط جمهوری اسلامی ایران با هدف ارائه روش خالق انسانها برای اداره جامعه بیان شده است؛ زیرا خداوندی که خالق جهان هستی است، بهتر از هر کس دیگری می تواند چگونگی اداره جامعه را مشخص کند و نظارت بر این مسئله نیز باید توسط مردمی انجام شود که به آنها حکومت می شود. مقام معظم رهبری در این رابطه بیان می فرمایند: "... بعضی خیال می کنند ما که عنوان مردم سالاری دینی را مطرح کردیم، حرف تازه ای

- 1 - Hacker and Dijk
- 2 - Legalist
- 3 - Competitive
- 4 - Pluralist
- 5 - Participatory
- 6 - Libertarian
- 7 - Plebiscitary

را به میدان آوردیم؛ نه. جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی. حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که یک نظام باید با هدایت الهی و اراده مردمی اداره شود و پیش برود. اشکال کار نظامهای دنیا این است که یا هدایت الهی در آنها نیست - مثل به اصطلاح دمکراسیهای غربی که اراده مردمی علی‌الظاهر هست، اما هدایت الهی را ندارند - یا اگر هدایت الهی را دارند یا ادعا می‌کنند که دارند، اراده مردمی در آن نیست یا هیچ کدام نیست که بسیاری از کشورها این گونه‌اند؛ یعنی نه مردم در شئون کشور دخالت و رأی و اراده‌ای دارند، نه هدایت الهی وجود دارد" (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲۰).

نبود هدایت الهی و کمبود معنویت در الگوهای غربی ارائه شده در چند صد سال گذشته، مشکلاتی را در جوامع به وجود آورده است که جز با استفاده از الگوهای مفید الهی، قابل رفع نیست. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: "الگویی که نظام اسلامی در خصوص مردم‌سالاری دینی به دنیا ارائه داد و در عرصه سیاست جهانی مطرح کرد، بدون شک تجربه موفق از آب درآمد. آنچه در آن، هم رأی و اراده و شخصیت و خواست مردم در آینده‌سازی جامعه تأثیر دارد و هم چارچوب این حرکت، ارزشهای معنوی و الهی است؛ همان چیزی است که امروز بشریت نیازمند آن است و از نبود آن رنج می‌برد. این جنگها، استکبارها، ظلمها، شکافهای طبقاتی، غارت ثروت ملتها و فقر عجیبی که بر بخش عظیمی از مردم دنیا حاکم است، همه بر اثر نبود معنویت است. این فسادها و احساس پوچی‌ها و هرزه‌دراییها و هرزه‌گراییهایی که در بین نسلهای گوناگون انسان در سطح دنیا مشاهده می‌شود، همه بر اثر کمبود معنویت است" (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۷). بنابراین، نظام جمهوری اسلامی قصد دارد تا با ارائه و توسعه "مردم‌سالاری دینی" در سراسر جهان، مردم را از بدبختی نجات دهد و عزت و سربلندی را برای آنها به بار آورد.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است که از نظریه داده‌بنیاد در راهبرد پژوهش بهره می‌برد. روش نظریه داده‌بنیاد، روشی کیفی است که از سلسله روشهای سامانمند استفاده می‌کند تا به‌طور استقرایی از مطالعه هر پدیده به نظریه داده‌بنیاد دست یابد. هدف این روش، ساخت نظریه است. در این راستا، روند اصلی ساخت نظریه از روی داده‌ها به کدگذاری معروف است که طی این روش،

داده‌ها خرد و مفهوم‌پردازی شده و به روشهای جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شود. در نظریه داده‌بنیاد، سه نوع کدگذاری "باز"، "محوری" و "انتخابی" وجود دارد.

در نظریه داده‌بنیاد، که به روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مدام نیز معروف است، گام اول، مفهوم‌پردازی داده‌ها است. در این گام، بندها به اجزایی تقسیم و برچسبی به هر یک تخصیص داده می‌شود که مفهوم نام دارد و نشانه آن پدیده است. طی برچسب‌زنی، موارد مشابه با مقایسه با یکدیگر طبقه‌بندی می‌شوند.

در گام بعد، مقوله‌پردازی صورت می‌گیرد که روند طبقه‌بندی مفاهیم است. نام مقوله‌ها به نوعی انتخاب می‌شود که بیشترین ارتباط را با داده‌های زیرمجموعه خود داشته باشد؛ سپس، مقوله با توجه به ویژگیهای آن پرداخته، و بعدپردازی می‌شود. ویژگیها، مقوله‌ای است که در طول طیفهایی تغییر می‌کند و بعد نامیده می‌شود. یافتن مقوله‌ها و ویژگیها و ابعاد آنها، نتیجه کدگذاری باز است.

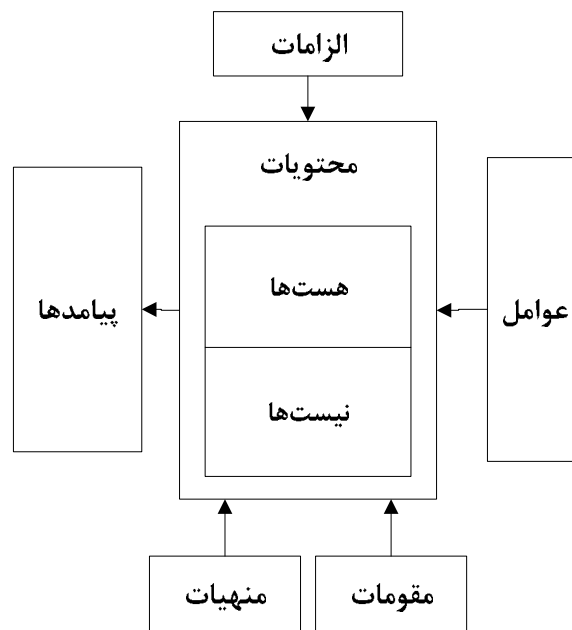
پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری صورت می‌گیرد که در اصل دسته‌بندی انجام می‌دهد و زیرمقوله‌ها را به مقوله‌ها مرتبط می‌کند. کدگذاری محوری به دنبال تعیین مقوله‌ها است و مقولات فرعی از طریق پارادایم، توسط برخی از روابط به مقولات مرتبط می‌شود؛ از جمله این روابط می‌توان به شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدها اشاره کرد. البته دو نوع کدگذاری باز و محوری، مرز مشخصی ندارد و در توالی با یکدیگر انجام می‌گیرد.

در انتها، کدگذاری انتخابی انجام می‌شود که انتخاب منظم مقوله اصلی و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها و اعتبار بخشی روابط و تکمیل آن با گسترش مقولات است. بر این اساس، ابتدا روایت توصیفی پدیده اصلی پژوهش (جریان اصلی داستان) مشخص می‌شود؛ سپس، مقولات تکمیلی به یکدیگر ارتباط داده می‌شود و به تأیید می‌رسد. و در نهایت، مقولات اصلاح می‌شود.

در راستای رسیدن به نظریه، ابتدا باید داده گردآوری شود. از آنجا که معمولاً بررسی تمامی داده‌ها زمانبر است، یکی از راهکارها، نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری نظری انواع مختلفی دارد که نمونه‌گیری باز، نسبی و گوناگون و گزینشی به ترتیب برای کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد استفاده قرار می‌گیرد (استراس و جولیت، ۱۳۸۵).

به منظور ایجاد الگوی مردم‌سالاری دینی از چارچوب شکل ۱ استفاده شده است. این

چارچوب براساس چارچوب پیشنهادی مقاله (سنجقی و همکاران، ۱۳۹۳) بدست آمده که بهره‌گیری از بیانات رهبری در رهبری تحول‌آفرین است.



شکل ۱: چارچوب الگو (سنجقی و همکاران، ۱۳۹۳)

برای دستیابی به هدف استخراج الگوی مردم‌سالاری دینی، این مقاله از نظریه داده‌بنیاد بهره برده و با روش رفت - و - برگشتی به تعیین مقوله‌ها پرداخته است؛ بنابراین، ابتدا تمامی بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۳ با استفاده از خزشگر^۱ از سایت معظم‌له جمع‌آوری، و سپس، بندهایی استخراج شده که شامل مردم‌سالاری بوده است. از بررسی تمام بیانات، ۱۷۹ گزاره مرتبط به دست آمده است.

در گام بعد، تمامی بندها بدقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با استفاده از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد، تمامی نکات مرتبط با مردم‌سالاری دینی استخراج شده است که به آنها کد گفته می‌شود؛ سپس، کدها در مفاهیم دسته‌بندی شده است. در مرحله بعد، زیرمقوله‌ها با مفاهیم و در

نهایت، مقوله‌ها با استفاده از زیرمقوله‌ها تشکیل شده است. در تمامی مراحل، هدف ارائه دسته‌بندیهای کلانتر است. در گام‌های بعدی از مقوله‌ها به کدها بازگشت، و دوباره مراحل قبل تکرار می‌شود. در نظریه، این مسیر رفت و برگشت، چندین بار تکرار می‌شود تا به مقوله‌هایی کلانتر و پرمغز دست یابد.

یافته‌های پژوهش

به منظور ایجاد الگوی مردم سالاری دینی براساس چارچوب انتخابی، کدگذاری باز، که اولین گام از نظریه داده‌بنیاد است روی ۱۷۹ گزاره انجام گرفت. در مجموع از این ۱۷۹ گزاره، ۲۶۷۳ کد استخراج شد که در ۳۹۳ مفهوم دسته‌بندی شد. در ادامه از تجمیع مفاهیم، زیرمقوله‌ها و سپس مقوله‌ها تشکیل شده که به ترتیب، ۸۸ و ۳۵ تعداد زیرمقوله و مقوله به دست آمده است که در ادامه ساختار آنها و دسته‌بندی آنها در بخشهای الگو تشریح خواهد شد. جدول ۴، نمونه گزاره‌های تحلیل شده را نمایش می‌دهد. با توجه به فراوانی کدها در ادامه تنها مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها ذکر خواهد شد.

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، چارچوب الگوی پیشنهادی در کنار خود الگوی مردم سالاری دینی، که در اصل مقوله محوری است، از پنج بخش اصلی تشکیل شده است:

- عوامل: شرایط علی است که موجب به وجود آمدن الگو شده است.
- الزامات: در اصل همان شرایط محیطی است که برای برپایی الگوی مردم سالاری دینی ضروری است.

- محتویات: چستی الگو را نشان می‌دهد که خود به دو زیربخش هست‌ها و نیست‌ها تقسیم می‌شود. این بخش، اصل الگو را تشکیل می‌دهد و راهبردها را بیان می‌کند.
- مقومات و منهیات: شرایط واسطه‌ای است که موجب تقویت و تضعیف الگو می‌شود. مقومات موجب می‌شود تا الگو بهتر و مستحکم‌تر ایجاد و برقرار شود و منهیات نیز به از بین رفتن سریعتر منجر خواهد شد.

- پیامدها: در نهایت، وجود هر الگویی، پیامدهایی را به همراه خواهد داشت که نتیجه، برقراری

آن است.

جدول ۴: نمونه‌ای از گزاره‌های تحلیل شده

مقوله	زیرمقوله	مفهوم	دسته	کد	گزاره
امنیت و آرامش	همزیستی مسالمت‌آمیز جناحها	همزیستی مسالمت‌آمیز جناحها	پیامد	اینکه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت اجرایی، با متانت، با آرامش، با صفا و صمیمیت، بین خدمتگزاران نظام دست‌به‌دست می‌شود	مجلس بسیار باشکوه و مهم و روز ان‌شاءالله بسیار مبارکی است. اینکه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت اجرایی، با متانت، با آرامش، با صفا و صمیمیت بین خدمتگزاران نظام دست‌به‌دست می‌شود، یک پدیده بسیار ارزشمند و مهمی است؛ این پدیده ناشی است از مردم‌سالاری اسلامی، که امام بزرگوار ما با درایت خود با حکمت خود
امام بزرگوار	امام بزرگوار	درایت و حکمت امام بزرگوار	عوامل	امام بزرگوار ما با درایت خود، با حکمت خود	حکمت خود، آن را اساس کار نظام جمهوری اسلامی قرار دادند.
حکومت مردمی	تکیه به مردم	کار دست مردم	هست	کار دست مردم	کار دست مردم است، انتخاب در اختیار مردم است و محور و مدار
مردم	حضور مردم	انتخاب دست مردم	مقومات	انتخاب در اختیار مردم	کارها هم اسلام عزیز است؛ مردم‌سالاری اسلامی.
اسلام و چهارچوبهای الهی	اسلام	اسلام	هست	محور و مدار کارها اسلام	

جدول پنج، فرایند اشباع نظری مقوله‌های تحقیق را نمایش می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود، گزاره‌ها با ۲۶۷۳ کد کدگذاری، و در هفت دسته دسته‌بندی شده است. جمع کدها در چندین مرحله صورت گرفته و در نهایت، در ۳۵ مقوله پایان یافته است.

جدول ۵: فرایند اشباع نظری مقوله‌های پژوهش

ردیف	دسته‌ها	کدها	مفاهیم	زیر مقولات	مقولات
۱	عوامل	۴۹	۱۸	۳	۳
۲	هست‌ها	۶۵۹	۴۹	۱۴	۴
۳	نیست‌ها	۱۷۴	۳۷	۵	۳
۴	الزامات	۲۷۲	۷۶	۱۶	۹
۵	مقومات	۴۰۱	۶۴	۱۷	۴
۶	منهیات	۴۴۲	۴۸	۸	۴
۷	پیامدها	۶۷۶	۱۰۱	۲۵	۸
جمع	۷	۲۶۷۳	۳۹۳	۸۸	۳۵

در جدول ۶، داده‌های کیفی در بیانات مقام معظم رهبری به تفکیک مقولات ارائه شده است.

جدول ۶: مصداق‌هایی از بیانات مقام معظم رهبری به تفکیک مقولات

دسته‌ها	مقولات	داده‌های کیفی در بیانات
عوامل	اسلام	مبارزه با استکبار از دل اسلام جوشید. مردم سالاری ما از دل اسلام جوشید.
	امام بزرگوار	این پدیده ناشی است از مردم سالاری اسلامی که امام بزرگوار ما با درایت خود با حکمت خود، آن را اساس کار نظام جمهوری اسلامی قرار دادند.
	انقلاب مردمی	انقلاب، یک انقلاب مردمی به تمام معنا بود؛ یعنی واقعاً مردم حضور داشتند
هست‌ها	اسلام و چهارچوبهای الهی	با هدایت اسلام است که ما به نظام جمهوری اسلامی رسیدیم؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود.
	حکومت مردمی	کار دست مردم است، انتخاب در اختیار مردم است و محور و مدار کارها هم اسلام عزیز است؛ مردم سالاری اسلامی
	حکومت بر مبنای ارزشها	فکر مردم سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و حاکمیت دین، فکر حضور مردم در عرصه‌ها، فکر مقابله در مقابل زورگوییهای قدرتهای جهانی و بلوکهای قدرتمند جهانی.
	تقدم اکثریت بر اقلیت	قاعده مردم سالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا می‌کند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسئولیت را به عهده می‌گیرد.

ادامه جدول ۶: مصداق‌هایی از بیانات مقام معظم رهبری به تفکیک مقولات

دسته‌ها	مقولات	داده‌های کیفی در بیانات
نیست‌ها	دیکتاتوری	انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مردم‌سالار به جای آن نشاند.
	فریب	مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری سالم است؛ بدون کارها و شگردها و خدعه‌هایی که در دنیا معمول است.
	فساد	چهارچوب‌های ما چهارچوب‌های الهی است. ما با فساد مخالفیم، با فحشا مخالفیم، با انواع و اقسام انحرافات بشری مخالفیم، برابر آنچه شریعت و دین به ما می‌آموزد. ما معتقدیم بایستی در مقابل این انحرافها ایستاد، راه‌های زندگی را باید از اسلام و قرآن و الهام و وحی الهی گرفت. این چهارچوب ماست. این شد مردم‌سالاری دینی؛ این الگوی ماست.
الزامات	ولایت فقیه	برای حاکم اسلامی، حوائج و نیازهای مردم اصل است.
	سیاست‌های کلان	راهبرد تکیه به آرای مردم و آنچه مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد و راهبردهایی از این قبیل، اینها سیاست‌های کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها.
	قانون اساسی	از اوّل انقلاب، این قانون اساسی مدرن، این خطّ مدرن و نو یعنی خطّ مردم‌سالاری متّکی به ایمان - که امروز در دنیا وجود ندارد - حاکم بوده است.
	دولت اسلامی	بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد.
	مجلس شورای اسلامی	شما در یک نظامی رکن اساسی واقع شدید - مجلس شورای اسلامی یک رکن اساسی است - که این نظام در وسط دنیای آشفته مادی سر برآورده و دارد ندای معنویت می‌دهد.
	قوه قضاییه	صاحب حق، مردمند. در چنین تشکیلاتی، قوه قضاییه بازوی قدرتمندی است که هر جا انحراف و تخلفی از این حالت پیدا شد، باید گریبان متخلف را بگیرد و رها نکند.
	دستگاه نظارت	لیکن معلوم شد دستگاه نظارت بر این امور، دستگاه دقیقی نبوده و به وظیفه خود عمل نکرده و درک و احساس مسئولیت مردم از آن دستگاه، نظارت بیشتر بوده است و غالباً دست رد به سینه اینها زده‌اند و اینها را رد کرده‌اند.
	معنویت	اگر انسان در این نظام الهی توانست رابطه خودش با خدا را مستحکم کند به هر نسبتی که در این راه پیش برویم، بلاشک در مقابله با دشمن، موفقیت‌هایمان زیاد خواهد شد؛ موانع برداشته خواهد شد؛ این را باید در نظر گرفت.

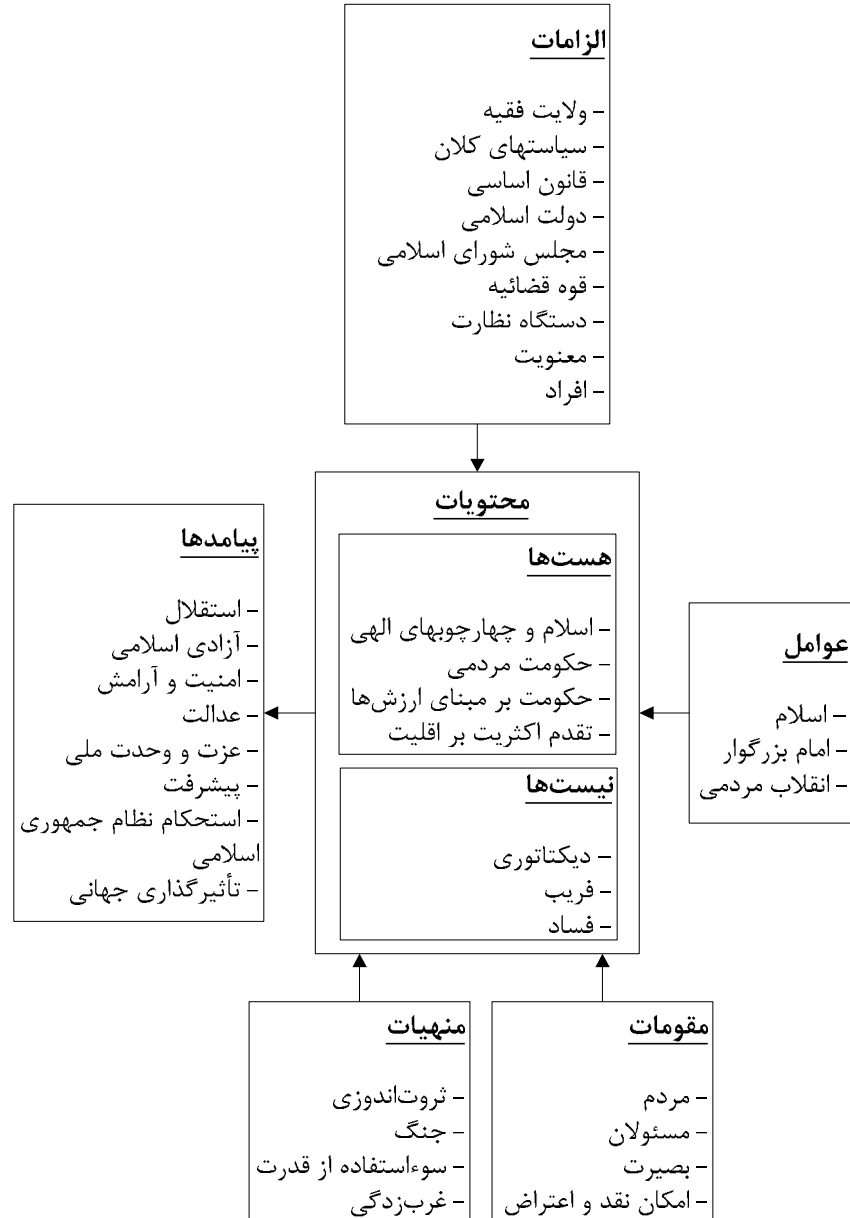
ادامه جدول ۶: مصداقهایی از بیانات مقام معظم رهبری به تفکیک مقولات

دسته‌ها	مقولات	داده‌های کیفی در بیانات
الزامات	افراد	آحاد مردم، مسئولان گوناگون، منبرداران سیاسی، کسانی که می‌توانند با مردم حرف بزنند، همه مراقب باشند، مواظب باشند؛ از انتخابات مانند یک نعمت الهی پاسداری کنند.
مقومات	مردم	یک نفری می‌آید در مواجهه با مردم در حرف زدن با مردم، گاهی بدون هیچ سابقه اجرایی، مردم را جذب می‌کند؛ موج ایجاد می‌شود، مردم می‌روند رأی می‌دهند؛ با این درصدهای بالا.
	مسئولان	ذکر آرمانها بدون توجه به واقعیتها و بدون ملاحظه سازوکارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمانها، خیالپردازی است؛ آرمانها در حد شعار باقی خواهد ماند؛ لیکن وقتی مسئولان کشور آرمانها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، مردم همراهی کردند، اینجا آنجایی است که واقعیتهای جامعه با آرمانها هماهنگ می‌شود.
	بصیرت	من متأسفم از اینکه خیلی از جوانهای ما از این شگردهایی که در دنیا، در امریکا، در غرب، در اروپا، در زمینه انتخابات به کار می‌برند که ظاهر دموکراسی دارد، اما باطن غیر دموکراسی دارد، خبر ندارند. کتابهای خوبی در این زمینه نوشته شده، خود غربی‌ها نوشته‌اند؛ اینها را بخوانند، این کتابها را ببینند.
	امکان نقد و اعتراض	در یک کشوری کسی به افسانه هولوکاست اعتراض می‌کند، می‌گوید من قبول ندارم؛ او را زندان می‌اندازند، محکومش می‌کنند که چرا یک حادثه پنداری تاریخی را انکار می‌کنی! حالا گیرم پنداری هم نباشد - واقعی باشد - خیلی خوب، انکار یک حادثه واقعی تاریخی مگر جرم است؟
	ثروت‌اندوزی	معلوم شد نه به مردم، نه به ملتها، نه به آرا و نه به حقوق انسانها هیچ اعتقادی ندارند. تنها چیزی که به آن اعتقاد دارند، عبارت است از پُر کردن جیب کمپانیهای مؤثر در پشت صحنه حکومت امریکا؛ یعنی کمپانیهای نفتی، کمپانیهای تسلیحاتی و دستگاه‌های عظیم پولی و مالی که پشت صحنه حکومت امریکا و بعضی حکومتهای دیگر را اداره می‌کنند.
منهیات	جنگ	اما امروز در کشورهایی که نظام لیبرال دموکراسی جا افتاده است - مثل دموکراسی‌های اروپا و امریکا - دموکراسی به معنای واقعی کلمه وجود ندارد؛ در عین حال دم از دموکراسی می‌زنند و برای این دموکراسی به عراق و افغانستان هم لشکرکشی می‌کنند!
	سو استفاده از قدرت	مشکل دنیا، مواجه شدن با دعوت دین است. دنیا که عرض می‌کنیم، مراد، همین دستگاه‌های اداره‌کننده دنیاست؛ اینها کسانی هستند که قوامشان، هویتشان بر اساس غارت انسانها، ضربه به انسانیت، ضربه به ارزشهای انسانی برای تمتعات مادی است.

ادامه جدول ۶: مصداق‌هایی از بیانات مقام معظم رهبری به تفکیک مقولات

دسته‌ها	مقولات	داده‌های کیفی در بیانات
	غرب‌زدگی	واژه لیبرال دموکراسی در اصطلاح مردم عالم، در معرفت و شناخت مردم عالم، با یک مفاهیمی همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ نمی‌خواهیم آن اسم را بر روی مفهوم پاکیزه و سالم و صالح و خالص خودمان بگذاریم؛ لذا ما برای نظام مطلوب خودمان، اسم جدید می‌گذاریم؛ می‌گوییم مردم‌سالاری اسلامی یا جمهوری اسلامی.
	استقلال	نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آنها با تکیه به مردم و آحاد ملت‌ها است، نه با تکیه به بیگانگان، نه با تکیه به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمنند.
	آزادی اسلامی	سرمایه‌داران آزادند که به وسیله روزنامه‌ها و رادیوها و تلویزیون‌های خودشان، هر چه را که دلشان می‌خواهد، بگویند! این آزادی، ارزش نیست؛ این آزادی، ضد ارزش است.
	امنیت و آرامش	اینکه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت اجرایی، با متانت، با آرامش، با صفا و صمیمیت، بین خدمتگزاران نظام دست‌به‌دست می‌شود، یک پدیده بسیار ارزشمند و مهمی است؛ این پدیده ناشی است از مردم‌سالاری اسلامی.
	عدالت	آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است با آنچه امروز در جامعه ماست، فاصله زیادی دارد؛ اما حرکت به سمت عدالت اجتماعی متوقف نشد و ادامه پیدا کرد و روزبه‌روز شدیدتر شده است.
پیامدها	عزت و وحدت ملی	انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی. امروز ملت ایران احساس عزت می‌کنند، احساس تشخیص می‌کنند. انقلاب، ضعف نفس و خودکم‌بینی را در ملت ما از بین برد؛ به جای آن، اعتماد به نفس ملی را به ملت داد.
	پیشرفت	یکی از مهمترین واقعیت‌ها، پیشرفت‌های یک کشور است. کشور ایران از مقطع پیروزی انقلاب - یعنی از سال ۱۳۵۷ - تا امروز به قدری تغییر کرده است که این مقدار تغییر را ما در ظرف این مدت در کشورهای دیگر نمی‌بینیم؛ یعنی بنده سراغ ندارم.
	استحکام نظام جمهوری اسلامی	امروز بدنه نظام جمهوری اسلامی، استحکامش از سال ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و آن سالهای اولیه بیشتر است. آن روز دشمنان ما احتمال بیشتری می‌دادند که بتوانند نظام را سرنگون کنند. امروز امیدهای آنها بمراتب ضعیف شده است و در موارد بسیاری این امیدها تبدیل به یأس شده. این استحکام نظام را نشان می‌دهد.
	تأثیرگذاری جهانی	همین الگوی جدید مردم‌سالاری دینی که ما به دنیا عرضه کرده‌ایم، همین انتخابات، همین دست‌به‌دست شدن قدرت اجرایی و قدرت تقنینی کشور، یکی از بزرگترین موفقیت‌ها است.

شکل ۲، الگوی مردم سالاری دینی را در سطح مقوله‌ها نشان می‌دهد. در ادامه، دسته‌های مختلف تشریح خواهد شد.



شکل ۲: الگوی مردم سالاری دینی

براساس الگوی مردم‌سالاری دینی استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) و به‌منظور ایجاد چنین نظامی در دیگر کشورها که بیداری اسلامی سر منشأ آن است، باید بخشهای زیر اجرا شود:

- عوامل: سه مقوله اصلی اسلام، امام بزرگوار و انقلاب مردمی عوامل به‌وجودآورنده الگوی مردم‌سالاری دینی بوده‌اند که اگر هر یک از این سه مورد نبود، شاید این مردم‌سالاری دینی شکل نمی‌گرفت؛ بنابراین، همان‌طور که در انقلابهای بیداری اسلامی مشاهده می‌شود با الگو قرار دادن جمهوری اسلامی و خواست مردمی برای از بین بردن حکومت‌های ستمگر در تحت لوای اسلام، پادشاهان سرنگون، و در نتیجه آن، انقلابها ایجاد شد.

- هست‌ها: چهار مقوله اصلی اسلام و چهارچوبهای الهی، حکومت مردمی، حکومت بر مبنای ارزشها و تقدم اکثریت بر اقلیت، هست‌های الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. در این راستا در برخی از کشورهایی که بیداری اسلامی در آنها رخ داد، بعضی از این هست‌ها همچون حکومت بر مبنای ارزشها اجرا نشد و به از بین رفتن انقلابها منجر شد.

- نیست‌ها: سه مقوله اصلی دیکتاتوری، فریب و فساد، نیست‌های الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. زورگویی برخی از حکومت‌هایی که در نتیجه انقلابها بر سر کار آمده‌اند به نابودی آن انقلابها منجر شده‌است.

- الزامات: نه مقوله اصلی ولایت فقیه، سیاستهای کلان، قانون اساسی، دولت اسلامی، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، دستگاه نظارت، معنویت و افراد، الزامات الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. نبودن هر یک از این مقولات، موجب از بین رفتن مردم‌سالاری دینی می‌شود؛ به‌عنوان مثال، نبود رهبری اسلامی و ولایت فقیه در انقلاب مصر موجب عدم پایداری بیداری اسلامی به‌وجود آمده شد.

- مقومات: چهار مقوله اصلی مردم، مسئولان، بصیرت و امکان نقد و اعتراض، مقومات الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. از دیگر دلایل عدم پایداری نظامهای مردم‌سالار دینی، نبود مقومات خواهد بود. نبود مسئولانی که شرایط لازم چنین نظامی را داشته باشند و یا عدم بصیرت لازم خود از مهمترین دلایل از هم‌پاشیدگی مردم‌سالاری دینی خواهد بود.

- منهیات: چهار مقوله اصلی ثروت‌اندوزی، جنگ، سوءاستفاده از قدرت و غرب‌زدگی، منهیات الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. ثروت‌اندوزی بویژه در مسئولان و سوءاستفاده

از قدرت براهتی شرایط از بین رفتن مردم سالاری را مهیا می کند.

نتیجه گیری

در این مقاله، ابتدا چگونگی حکومتداری بررسی و مردم سالاری به عنوان بهترین نوع حکومتداری انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته است. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در سال ۱۳۷۷، مردم سالاری دینی را به عنوان روش حکومتداری پیشنهاد کردند. بنابراین، این مقاله با استفاده از نظریه داده بنیاد به استخراج الگوی مردم سالاری دینی از بیانات امام خامنه‌ای از همان سال تا کنون پرداخته است که پس از تحلیل به شیوه نظریه داده بنیاد، ۲۶۷۳ کد در ۳۵ مقوله شناسایی شد. اجرای مقولات در الگوی مردم سالاری دینی بر اساس گفتمان ولی امر مسلمین که توانسته نارساییها و ضعف‌های الگوهای رایج غربی را بپوشاند، حکومت مطلوبی را برای اداره جامعه به همراه دارد و در بیانات مقام معظم رهبری، مردم سالاری از نوع دینی تعریف می شود که در عامل ذاتی خود یعنی حکومت خدا بر مردم، اراده مردم را نیز دخیل می داند. این الگو به لحاظ حکومت مردم با سایر الگوهای نامبرده شده در متن اشتراک دارد؛ اما از نظر "الهی بودن" با دیگر الگوها متفاوت است. البته می توان ذکر کرد که به لحاظ اهمیت بعد فرهنگی با نظر مانهایم، لیپست و همکاران نزدیک است.

از لحاظ زمینه‌ای در الگوی مردم سالاری دینی، سه مقوله اصلی اسلام، امام بزرگوار و انقلاب مردمی عوامل به وجود آورنده این الگو به شمار می روند. همچنین، اسلام و چهارچوبهای الهی، حکومت مردمی، حکومت بر مبنای ارزشها و تقدم اکثریت بر اقلیت، هست‌های الگوی مردم سالاری دینی را تشکیل می دهد. در این راستا در برخی از کشورهایی که بیداری اسلامی در آنها رخ داد، بعضی از این هست‌ها همچون حکومت بر مبنای ارزشها اجرا نشد و به از بین رفتن آن انقلابها منجر شد. نیست‌های الگوی مردم سالاری دینی نیز شامل سه مقوله اصلی دیکتاتوری، فریب و فساد است و همان‌طور که مشاهده می شود، زورگویی برخی از حکومتهایی که در نتیجه انقلابها بر سر کار آمده‌اند به نابودی آنها منجر شده است.

از دیگر عوامل زمینه‌ای، نه مقوله اصلی ولایت فقیه، سیاستهای کلان، قانون اساسی، دولت اسلامی، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، دستگاه نظارت، معنویت و افراد، الزامات الگوی

مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد. نبود هر یک از این مقولات، موجب از بین رفتن مردم‌سالاری دینی می‌شود؛ به‌عنوان مثال، نبود رهبری اسلامی و ولایت فقیه در انقلاب مصر موجب عدم پایداری بیداری اسلامی به‌وجود آمده شد. چهار مقوله اصلی مردم، مسئولان، بصیرت و امکان نقد و اعتراض، مقومات الگوی مردم‌سالاری دینی را تشکیل می‌دهد؛ از دیگر دلایل عدم پایداری نظام‌های مردم‌سالار دینی، نبود مقومات خواهد بود. نبود مسئولانی که شرایط لازم چنین نظامی را داشته باشند و یا عدم بصیرت لازم خود از مهمترین دلایل از هم‌پاشیدگی مردم‌سالاری دینی خواهد بود. چهار مقوله اصلی ثروت‌اندوزی، جنگ، سوءاستفاده از قدرت و غرب‌زدگی، منهیات الگوی مردم‌سالاری دینی است؛ به عبارت دیگر بر اساس الگوی مردم‌سالاری دینی، ثروت‌اندوزی بویژه در مسئولان و سوء استفاده از قدرت بر احتی شرایط از بین رفتن مردم‌سالاری را مهیا می‌کند که این الگو در زمینه مبارزه با اشراف‌سالاری با نظر افلاطون هم‌تراز است.

پژوهشگران در ادامه کار نیز می‌توانند میزان تأثیر هر یک از مقولات را در ایجاد و دوام انقلاب‌های بیداری اسلامی بررسی، و حتی رضایت مردمی ناشی از مردم‌سالاری دینی و غربی را با یکدیگر مقایسه کنند.

منابع فارسی

- برخورداری، عارف؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۴). سیر تحول اندیشه سیاسی ایران معاصر با تأکید بر مسئله مدرنیته. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. ۳۱ (۲): ۲۳.
- شیرودی، مرتضی؛ حسینی، جلال (۱۳۹۳). "سنجش کمی و کیفی مفهوم جمهوری و دموکراسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۳۷ (۲): ۴۵.
- سرپرست سادات، سیدابراهیم؛ خرمداد، محمدباقر (۱۳۹۳). الگوشناسی مردم‌سالاری دینی در آرای اندیشوران دوره پهلوی دوم. مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی. ۵ (۱): ۳۵ تا ۶۰.
- مقام معظم رهبری، "بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی"، ۱۳۷۷/۱۲/۴.
- مقام معظم رهبری، "بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل"، ۱۳۸۰/۸/۲۰.
- مقام معظم رهبری، "بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان"، ۱۳۹۰/۷/۲۷.
- مقام معظم رهبری، "بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری"، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
- مقام معظم رهبری، "بیانات در دیدار نمایندگان مجلس"، ۱۳۸۳/۳/۲۷.
- بخشایش اردستانی، احمد؛ دشتی، فرزانه (۱۳۹۲). مردم‌سالاری دینی در سیره سیاسی و حکومت امام علی (ع).

- فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. ۵۸ (۱): ۱۴۳.
- مجیدی، حسن؛ خزاعی گسک، مهدی (۱۳۹۲). مردم سالاری دینی در آراء رهبران جمهوری اسلامی و یوسف القرضاوی. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. ۲۵ (۴): ۴۹.
- خلیلی، سحر (۱۳۹۰). مردم سالاری دینی از دیدگاه آیت الله مصباح. ماهنامه معرفت. ۱۶۸ (۹): ۱۲۳.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۰). مردم سالاری دینی در اندیشه آیت الله جوادی آملی. فصلنامه حکمت اسرا. ۷ (۱): ۵۳.
- نوروزی، محمد جواد (۱۳۹۳). نظارت عمومی؛ مردم سالاری دینی. دو فصلنامه اندیشه های حقوق عمومی. ۵ (۱): ۷.
- میرمحمدی، مهدی؛ محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳). نقش سازمان های اطلاعاتی در مردم سالاری دینی. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۶۴ (۲): ۱۷۳ تا ۱۹۶.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۳). مردم سالاری دینی و امنیت اجتماعی؛ با نگاهی انتقادی به لیبرالیسم و جامعه گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۶۴ (۲): ۶۵ تا ۸۲.
- هلد، دیوید (۱۳۶۹). الگوی های دموکراسی. ترجمه عباس مخبر. تهران: روشنگران.
- دل، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه حسین ظفریان. تهران.
- حاجی زاده، جلال (۱۳۹۰). بازخوانی آرای انتقادی و بحران های فراروی دموکراسی. غرب شناسی بنیادی. ۲ (۱): ۱.
- مهدوی زادگان، د. (۱۳۹۳). تمایز جوهری مردم سالاری دینی و غیردینی با تأکید بر تجربه مردم سالاری در ایران اسلامی و غرب. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۱ (۳۸): ۱۵۹ تا ۱۶۸.
- عباسی، ب. (۱۳۸۷). بررسی روش های اعمال مردم سالاری مستقیم و نیمه مستقیم. فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۳۸ (۲): ۲۱۵ تا ۲۳۵.
- استراس، آنسلم؛ جولیت، کورین (۱۳۸۵). نظریه مبنایی. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سنجقی، محمد ابراهیم؛ فرهی، علی؛ زین الدینی، مجید (۱۳۹۳). شناخت ابعاد و عوامل رهبری تحول آفرین براساس سخنان امام خامنه ای (مدظله العالی). دو فصلنامه مدیریت اسلامی. ۲۲ (۱): ۱۲۱ - ۱۰۷.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۳). نظریه های کلان در روابط بین الملل. تهران: قومس.
- عطارزاده، مجتبی؛ راستی، مهدی (۱۳۹۳). شورا و دموکراسی در اندیشه سیاسی معاصر شیعه. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی. ش ۲۷.
- آریلاستر، آنتونی (۱۳۷۹). دموکراسی. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: انتشارات آشیان.
- دوینوا، آلن (۱۳۷۸). تأمل در مبانی دموکراسی. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: انتشارات چشمه.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۶). امامت و مؤلفه های دموکراسی. فصلنامه قیسات. ش ۴۵.

منابع انگلیسی

- Bevir, M., "Governance: A very short introduction," Oxford University Press, 2012.
Hacker, K. and J. V. Dijk, "Digital Democracy," Issues of Theory and Practice, Sage Publications, 2000.
Held, D., "Models of democracy", Stanford University Press, 2006.
Lijphart, A., "Patterns of Democracy", Yale University Press, 2012.

